

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه‌ی، دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۵؛ ۲۳ شعبان ۱۴۳۷

ادامه بحث سابقه‌ی نظریه‌ی ولایت فقیه در تتبع اقوال فقهاء:

نظرات مرحوم سید رضی (رحمه الله):

بحث ما در مورد عمل فقهاء عصر ابتدای فقاہت به ولایت فقیه بود و رسیدیم به عمل مرحوم سید رضی رحمه الله؛ بایستی مناصب آن دوران را ارزیابی نماییم تا بدانیم آیا آن تصدی آن مناصب، عمل به ولایت فقیه بوده است یا نه. یکی از آن مناصب، نقابت سادات بوده است. ممکن است اشکال شود که این عمل به ولایت فقیه حساب نمی شود و صرفاً ریاستی بر سادات به خاطر شرافت و شخصیت آن فرد است.

«ماوردی» در «احکام السلطانیه» صفحه‌ی ۸۲ توضیحاتی در معرفی این سمت آورده است:

نقابت دارای پنج صفت است:

سرپرستی شرعی و رئیس قانونی سادات که بایستی فصل خصومت در بین ایشان کند.

سرپرستی اموال ایتم سادات و تصرف در آن.

اجرای حدود بر سادات، اگر آنان گناهی می کرده اند که مستوجب حد بوده است.

مراقبت و کفالت دختران و زنان سادات و ولایت در ازدواج ایشان.

سرپرستی و مراقبت مجانین و سفهاء سادات و قیمومت محجورین.

چنانچه مشاهده می شود، هر پنج خصوصیت اعمال ولایت و عمل به آن است. ضمناً نقیب السادات بایستی مجتهد

می بوده و غیر مجتهد از سادات نمی توانسته به عنوان نقیب السادات نصب شود.

پس این نقابت به نوعی عمل به ولایت بوده است که مرحوم سید رضی رحمه الله آن را انجام داده اند.

مرحوم امینی رحمه الله در الغدیر در مورد سید رضی رحمه الله می فرماید:

برای مرحوم سید رضی رحمه الله حکمی صادر شد در سنه ۴۰۳ که ایشان را نقیب النقباء سادات قرار دادند و این سمت را تا آن روز هیچ کدام از اهل بیت علیهم السلام غیر از امام رضا علیه السلام (که ولی عهد مأمون بودند) به عهده نگرفته بودند.^۱

در همین صفحه مرحوم علامه‌ی امینی می‌فرماید که سید شریف رضی رحمه الله در زمان خلافت القادر بالله، خلافت (حکومت) بر مکه و مدینه را تصدی نمودند.

از سمت نقابت بالاتر، سمت ولایت بر دیوان مظالم بوده است که اگر ایشان قائل به ولایت عامه و انتصابی نبود، این سمت را به عهده نمی‌گرفتند.

«ماوردی» (ص ۷۸ احکام السلطانیة) می‌گوید که این دیوان، برای دادخواهی مظلومان و رسیدگی به جرائم والیان بوده است.

یعنی اگر کسی از امراء و والیان و حتی خود خلیفه شکایتی داشته است، در دیوان مظالم مطرح می‌نموده است. همچنین برگرداندن اموالی که حکومت از مردم غصب می‌نموده است، از وظایف دیوان مظالم بوده است. همچنین امارت حاج (مدیریت امور حجّاج)، رسیدگی به موقوفات، اجرای نمازهای سیاسی (جمعه، عیدین و...) که کاری است که در فقه بایستی امام معصوم علیه السلام انجام بدهد، نظارت بر امور حسبیه و بالاتر از همه مسأله‌ی جهاد (دفاعی یا ابتدایی) همه از شؤونات دیوان مظالم بوده‌اند.

رئیس دیوان مظالم مرحوم سید رضی رحمه الله بوده‌اند و تمام این امور را (که در واقع اعمال ولایت بوده است) به عهده گرفته بوده‌اند؛ همچنین در آن زمان، منصب خلافت در واقع منصبی تشریفاتی بوده است. ماوردی در بیان اوصافی که شخص متصدی دیوان مظالم بایستی داشته باشد گفته است:

« فکان من شروط الناظر فیها أن یکون جلیل القدر، نافذ الأمر، عظیم الهیبة، ظاهر العفة، قليل الطمع، کثیر الورع، لأنّه یتحتاج فی نظره إلى سطوة الحماة و ثبت القضاة، فیتحتاج إلى الجمع بین صفات الفریقین، و أن یکون بجلالة القدر نافذ الأمر فی الجهتین...»^۲

البته شریف رضی رحمه الله بالاتر از این اقدام نموده‌اند؛ یعنی در واقع ایشان مدعی حکومت بوده‌اند و تمام امراء آن زمان را غاصب و جائر می‌دانسته‌اند.

۱. الغدير ج ۴ ص ۲۰۵ چاپ بیروت.

۲. دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية؛ ج ۲، ص: ۲۰۵؛ کلام الماوردی فی ذلک؛ ج ۲، ص: ۲۰۵

ایشان در زمان «القادر بالله» شعری گفته‌اند که در آن شعر عظمت خودشان را بیان نموده‌اند. «القادر بالله» با شنیدن این شعر برافروخته شده و ایشان را بازخواست نموده است و سید رضی رحمه الله در پاسخ فرموده است که من تمام فضائل و مقامات تصدی حکومت را دارم، فقط اسم تو خلیفه است و اسم من نیست. القادر هم این فرمایش را قبول می‌کند و می‌گوید که علی‌رغم شریف (رضی) من خلیفه هستم.^۱

پس از درگذشت سید رضی رحمه الله برادرشان سید مرتضی علم الهدی متصدی همه‌ی سمت‌های ایشان می‌شود. سید مرتضی در سال ۴۰۶ متصدی تمام مسئولیت‌های سید رضی شد که تا سال ۴۳۶ آن را به عهده داشت.^۲

بعد از ایشان، کسی که ولایت فقیه را اعمال نمود مرحوم محقق کرکی بودند که اذن حکومت به شاه عباس دادند. ایشان در «رسائل محقق کرکی در ج ۱ ص ۲۸۰» عباراتی در وصف سید مرتضی رحمه الله دارند و می‌فرمایند که صرف نظر از اعتقادشان، عملشان هم ولایت عامه بوده است.

این تمام بحث در اعتقاد و عمل به نظریه‌ی ولایت فقیه در فقهاء عصر نخست اجتهاد بود که بعد از این به دوره‌های بعد خواهیم پرداخت ان شاء الله...

و السلام علیکم و رحمه الله

پایان جلسات سال تحصیلی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵

بعون الله و کرمه

۱. عمدة الطالب ص ۷۲؛ محاوره‌ی القادر بالله و سید رضی رحمه الله.

۲. کامل ابن اثیر ص ۲۶۳ چاپ بیروت.